

وضعیت مرمت در شهر تاریخی یزد

ساشاریاحی

دانشجوی دکتری مرمت دانشگاه تهران و معاون میراث فرهنگی یزد

گذشته‌ای به مراتب دورتر از هنر، معماری و مرمت داشته‌اند. آن چنان که امروزه حتی قد و قواره آرزوهای اولیه در خاطره تاریخ نیز نمانده است. هرچند اکنون با برخورداری از امنیت اجتماعی، انتخاب سر پناهی برای زیستن به گونه‌ای آگاهانه و شاید هم در برخی از افراد به طور ذاتی صورت می‌پذیرد ولی با تغییرات عمده‌ای که در فضای زیست پدید آمده است، کیفیت، ماهیت و اندازه‌های اولیه این گهواره کمتر متصور یا محسوس است. تا پیش از دخالت‌های انسان در طبیعت زمین سیر تحولات زیستی در سطوح مسکون زمین از تعادل پایدار طبیعی برخوردار و در صورت بروز خطر بلایای طبیعی، با اراده و توان رازگونه‌ای خسارت وارده به طور نسبی ترمیم می‌شد. شاید این اراده رازگونه به طور فطری در همه ارکان و مواد موجود در طبیعت نهفته باشد.

بنابراین لزوم و ضرورت حفاظت آثار ساخت شده توسط بشر را باید هم‌دوره با شکل‌گیری ابزار، زندگی و سرپناه دانست. در واقع از همان ابتدای سکونت و استقرار انسان در خانه، نیاز به مراقبت‌های مستمر و تعمیرات دوره‌ای وجود داشته است. بروز عوامل طبیعی هم چون سیل، زلزله، باد، طوفان و آتش‌سوزی از یک سو و جنگ و ویرانی و عوامل فرسودگی زیستی از سوی دیگر بشر را همواره به مرمت و بازسازی سکونتگاه و سرپناه خود واداشته است؛ بنابراین سرگذشت حفاظت معمارانه، به شکل خود به خودی و غیرعلمی را می‌توان با پدیدار شدن ساخته‌های معماری دست بشر بر روی

چیدمان: تعریف شما از مرمت چیست و لازمه‌ی مرمت یک اثر چه می‌باشد (به عبارت دیگر چه شرایطی می‌بایست فراهم گردد تا یک اثر مرمت شود). (منظور از اثر، بنا بافت یا محوطه‌ی تاریخی است)

از دوران کهن تا به امروز همواره انسان به عنوان موجودی باشعور و با قدرت تفکر زندگی کرده و این قدرت تفکر روندی تکاملی داشته است. انسان همواره در محیط پیرامون خود عواملی را در طبیعت لمس می‌کرد که این عناصر و عوامل موجود در طبیعت گاه هماهنگ با خواسته‌ها و نیازهای بشر بوده و گاهی به صورت ناهماهنگ منجر به ایجاد محدودیت‌ها و خلاقیت‌ها می‌شده است. انسان برای حیات و بقای خویش با توجه به نیازهای مادی در مرحله اول و نیازهای فطری در مرحله دوم به دخل و تصرف در طبیعت اقدام می‌نمود. پس دخالت انسان در طبیعت در ابتدا با توجه به نیازهای مادی (هموار کردن طبیعت ناهماهنگ) و سپس با توجه به نیازهای فطری (بهره‌روی مناسب از طبیعت هماهنگ) بوده است.

به قول مرحوم مهریار، حفاظت و ساخت‌وساز جدید همزاد یکدیگرند که هر دو ریشه در صدها سال تجربه زیستن گذشتگان ما در فضای دست‌ساخته خود در هر گوشه‌ی این سرزمین دارند. تأمین پناه و انتخاب گوشه‌ای دنج برای بقای نسل انسان،



زمین هم‌زمان دانست. البته برخی از مرمت‌ها و بازسازی‌های تشریفاتی نیز توسط حکومت‌های تمدن‌های کهن به‌منظور بقای آثار گذشتگان صورت گرفته است. علاقه و تعلق خاطر بشر نسبت به آثار گذشتگان و هزینه زیاد ساخت‌وساز و دشواری فراهم نمودن ساخت مایه باعث شده در طول تاریخ بسیاری از بناها و آثار کهن حفاظت و بازسازی شده و مورد بهره‌برداری مجدد قرار گرفته است. از سوی دیگر بناهای عام‌المنفعه و با کارکرد مذهبی نیز در تمامی دوره‌های تاریخی مورد توجه و مراقبت ویژه‌ای بوده است.

اما به لحاظ معنا و واژه‌شناسی حفاظت، به مفهوم تمامی مراحل و اقداماتی است که به‌منظور نگهداشت و مراقبت از اعتبار و ارزش‌های میراث معماری و میراث شهری صورت می‌گیرد. هدف از حفاظت، انجام اقدامات عملی برای نگهداری مکان در وضعیت موجودش است. اقدامات حفاظت شامل بازدیدهای منظم، مراقبت‌های دوره‌ای، تحکیم، تجدید حیات، بازسازی و غیره است. در واقع می‌توان گفت «حفاظت جامع»، مراقبت و نگهداری از بشر ساخت‌های فرهنگی (میراث معماری) و تلاش برای افزایش دوام ارزش‌های آن است. حفاظت، انواع روش‌های مرمت را نیز دربرمی‌گیرد و هدف از آن ایمن کردن میراث معماری و شهری است.

تعریف معمول و پذیرفته‌شده مرمت نیز به معنی روند بازگرداندن شکل و ظاهر از دست‌رفته اثر میراث معماری به موقعیت اولیه در زمان خاصی از پیشینه تاریخی‌اش با استفاده از همان مصالح سازنده پیشین و با روش‌هایی همانند روش اصلی آن‌ها، بر اساس منشور بورا ۱۹۸۱ میلادی مرمت به مفهوم بازگرداندن ساختار یک مکان میراث معماری به وضع شناخته‌شده قبلی از طریق حذف الحاقات یا سرهم کردن اجزای موجود بدون وارد کردن مصالح جدید است. در آمریکای شمالی این واژه در مورد دوره‌ای خاص استفاده می‌گردد به عبارت دیگر خلق مجدد مفهوم طراحی زیباشناختی از یک بنا در یک دوره خاص، اما در انگلستان به‌ویژه از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی مرمت یک کار ویرانگر و منفی تلقی می‌شود. فرآیند مرمت اقدامی است بسیار تخصصی است و هدف از انجام آن مراقبت و آشکار ساختن ارزش زیبایی‌شناختی و تاریخی یادمان است و بنای آن بر حفظ مواد، مصالح و مستندات اصیل است. مرمت نباید بر اساس حدس و گمان صورت بگیرد و در چنین مواردی چنانچه افزودن بعضی بخش‌ها گریزناپذیر باشد باید آن‌ها را از ترکیب معماری اصیل متمایز ساخت و بر آن‌ها نشانه‌ای معاصر زد.

چیدمان: روند اقدامات اجرایی یک پروژه مرمتی را شرح دهید.

پیش از هرگونه اقدام اجرایی در اندام‌های ارزشمند میراث شهری و بناهای تاریخی نیازمند مطالعه، تدوین اصول فکری و در نهایت تهیه‌ی طرح مرمت هستیم. در واقع می‌توان گفت دخالت در آثار میراث معماری و میراث شهری بدون دستیابی به فهم و شناخت کافی نسبت به موضوع مورد نظر امری نادرست، ناپسند و ناآگاهانه است.

پیش از اقدام به برنامه‌ریزی برای حفاظت آثار ارزشمند، اولویت‌بندی مداخلات بر اساس شرایط وضع موجود و میزان ارزشمندی آن‌ها امری لازم و ضروری است. در فرایند ارزش‌گذاری آثار، یافتن پاسخی مناسب به این سؤال که چه اثری را و به چه منظور می‌خواهیم حفاظت می‌کنیم، کمک شایسته‌ای می‌نماید. اعتقاد ما بر این است که هیچ مکان و فضای بدون ارزش وجود ندارد. هر فضایی که توسط بشر به وجود آمده و هر اثری که به دست انسان ساخته شده است دارای ارزش است، مسئله این است که با چه معیاری و بر اساس کدام اصول فکری آثار معماری را ارزش‌گذاری می‌کنیم. تبیین معیارهای ارزش‌گذاری در راستای تقویت و ارتقای جایگاه آثار معماری دارای ارزش‌های میراثی است و به‌منظور اولویت‌بندی برای اقدامات حفاظت معمارانه. ارزش‌های موجود در فضای ساخته‌شده و آثار معماری گذشته و معاصر، یکی از موارد اصلی و تأثیرگذار بر تصمیم‌ها و برنامه‌های پیشنهادی برای حفاظت بشمار می‌روند. بازشناخت ارزش‌های موجود در سکونت‌گاه‌های کهن و اندام‌های معماری هم پیوند و منفرد، به کمک علوم مختلف و تصمیم در خصوص شیوه و میزان مداخله‌ی پیشنهادی، حساس‌ترین و پرمسئولیت‌ترین وظیفه‌ای است که حفاظت‌گر بر عهده دارد. در گذشته‌ی نه‌چندان دور ارزش‌گذاری به‌منظور حفظ آثار و موارث فرهنگی تنها از نظر قدمت تاریخی و دوره‌ی ساخت آن‌ها صورت می‌گرفت، اما در ارزش‌گذاری‌های دوران معاصر، معیارهای دیگری همچون ویژگی‌های هنری، فنی، زیباشناختی، اجتماعی، اقتصادی و غیره نیز مورد نظر قرار می‌گیرند. برای دستیابی به موفقیت در اقدامات اجرایی مرمت پیمودن گام‌های زیر پیش از مداخله ضروری است:

گام اول: مطالعه و شناخت

معیار اولیه و تثبیت موقت: انجام بازرسی‌های نخستین به‌منظور رفع خطر و اقدامات اضطراری به‌عنوان پیش‌اقدام، قبل از انجام هر مرحله‌ای ضروری است. در واقع این فعالیت که شاید زمان کوتاهی به طول بیانجامد، اقدامی برای تضمین حیات و تثبیت وضعیت کالبدی اثر در وضع موجود است. حفاظت‌گر می‌بایست پس از بررسی وضع عمومی و ساختاری فضاها، در صورت بحرانی بودن و قرارگیری اندام‌های درخطر، نسبت به رفع تهدید اضطراری و تثبیت وضعیت مکان در حالت موجود اقدام نماید. این موضوع فرصت مناسبی را برای ادامه‌ی روند حفاظت و انجام مطالعات پایه و مستندسازی جامع فراهم می‌نماید. البته در این فعالیت قصد یافتن علت بروز بیماری و انجام معاینات کامل را نداریم و فقط با مشاهده در محل وضعیت بیمار را تثبیت می‌کنیم.

مستندسازی جامع: به‌منظور بررسی شرایط آثار معماری و بناهای تاریخی، پس از انجام اقدامات اولیه و رفع خطر، می‌بایست وضعیت موجود آن به‌طور دقیق ثبت و مستند شود. در واقع برای شناخت کافی سوژه و بررسی نوع آسیب‌ها و شدت عوارض موجود و همچنین اتخاذ تصمیم درست برای پیشنهاد شیوه‌های درمان این اقدام ضروری است.

است. این فعالیت بسیار گسترده است و می‌تواند در خصوص موضوعات مختلف صورت بگیرد. لیکن انتظار می‌رود حداقل مواردی هم چون انجام مقایسه‌ی تطبیقی، بررسی چگونگی هندسه و تناسبات و همچنین تحلیل اندام‌ها و سازمان‌دهی فضاها در روند تحقیق انجام بپذیرد.

برپایی و ساخت یک بنای معماری تنها انجام محاسبات دقیق سازه‌ای و تحلیل پایداری ساختار و تحمل نیروها نیست، بلکه امری است دقیق و پیچیده که در طراحی و به‌کارگیری آن باید به ارتباط بخش‌های مختلف فضاها، کارکرد آن و ساخت مایه‌ی مورد استفاده نیز توجه ویژه‌ای داشت. به‌طور کلی در معماری ایرانی، سازه بکار رفته یا مصالح موجود در محیط سازگاری داشته و در واقع سازه، خود را با ساخت مایه سازگار کرده است. در این زمینه باید فن و شیوه‌های ساخت اندام‌ها، ساخت مایه و تحلیل رفتار مجموعه‌ی سازه و پایداری آن در برابر نیروهای وارده به‌طور کامل بررسی گردد.

گام دوم: معاینه و آسیب‌شناسی

یکی از مباحث بسیار مهم در این روند، آسیب‌شناسی میراث معماری است که با عناوین ریزتری همچون معاینه و بیماری‌شناسی اثر مورد توجه قرار می‌گیرد. آسیب‌شناسی از این حیث که صحت و سلامتی اثر و یا زوال و مرگ تدریجی آن را گزارش می‌دهد، بسیار مهم و حائز اهمیت هست، لذا مرمت گر که در اینجا به‌نوعی پزشک ساختمان محسوب می‌شود، باید شرح کاملی از بیماری‌های گذشته و وضع موجود اثر داشته باشد. مشکل اساسی در امر آسیب‌شناسی میراث معماری، عدم اشراف مرمت گر به پیشینه‌ی بیماری و عدم تعادل اثر از تاریخ ساخت تا به امروز است که ضمن پیچیده کردن موضوع، حساسیت‌هایی را در جهت حفظ اصالت اثر در هنگام درمان دربرخواهد داشت. هنگامی که یک اثر معماری برای تحقیق و مطالعه در اختیار مرمتگر قرار دارد، هیچگونه دخالتی در وضع موجود آن نباید صورت گیرد. بنای مورد مطالعه مانند بیماری است که برای معاینه و تشخیص قبل از معالجه در اختیار پزشک قرار می‌گیرد و جز در مواردی که خطر انهدام قسمتی از بنا مطرح است، مداخله در وضع آن می‌تواند موجب زیانهای غیرقابل جبرانی گردد.

گام سوم: تدوین اصول فکری، تبیین سیاست‌ها و ارائه‌ی طرح

در این مرحله ارائه طرح درمان بر اساس مبانی نظری و دستیابی به اصول فکری حفاظت در یک چارچوب مشخص مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. اعتقاد ما بر این است که ارائه‌ی ایده‌های پیشنهادی حفاظت از طرح مرمت شهری تا طرح مرمت اشیای فرهنگی، شایسته است به‌صورت یکپارچه برنامه‌ریزی شود تا در زمینه‌ی مدیریت خرد و کلان، نقش و جایگاه ارزش‌ها مشخص و واضح باشد. در بخش طرح با در نظر قرار دادن نیازهای حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیباشناختی، فرهنگی و سازه‌ای بنا، در زمینه‌های حفاظت، مرمت، ساماندهی و احیا صورت می‌گیرد.

مطالعه‌ی تاریخی و تهیه اسناد و مدارک: همگام با آغاز روند مطالعات میدانی در این زمینه، می‌توان بانک اطلاعاتی و اطلاعات مورد نیاز را فراهم کرد. جمع‌آوری و طبقه‌بندی اسناد و مدارک مکتوب، شفاهی و مصور شامل عکس‌های قدیمی، نقشه‌ها و تصاویر هوایی، نقشه‌های معماری گذشته، گزارش‌های تعمیرات دوره‌ای اثر، وقف نامه‌ها، نوشته‌های تاریخ نویسان و جغرافی‌دان‌ها در متون و سفرنامه‌ها و دریافت تاریخ شفاهی محلی از اهمیت بسیاری برخوردار است و کمک زیادی به روند مطالعه، آسیب‌شناسی و تصمیم‌گیری در خصوص طرح‌های پیشنهادی حفاظت خواهد نمود. در واقع مطالعه‌ی تاریخی اثر می‌تواند نکات مهم و با اهمیت در زمینه‌ی سابقه‌ی معماری، شیوه‌ی ساخت، ویژگی‌های بومی و فرهنگی اثر و محیط پیرامون، شیوه‌ی مدیریت محلی، سیر تحولات و دگرگونی‌های احتمالی را برای ما در راستای ارائه‌ی طرح حفاظت، روشنگری نماید. برای جلوگیری از مخدوش شدن لایه‌های تاریخی و معماری دوره‌های مختلف، این اقدامات می‌بایست زیر نظر کارشناسان خبره در حوزه‌های یادشده و با حساسیت کامل صورت بگیرد. مستندسازی و ثبت گام‌به‌گام اقدامات این فرایند نیز ضروری است.



تصویر شماره ۱:

مطالعه‌ی معماری و سازه‌ای: هدف از این مطالعات بازشناسی و خوانا سازی ویژگی‌های وضع موجود و گذشته‌ی اثر از نظر معماری





تصویر شماره ۲:

چیدمان: نقش هریک از گروه های زیر در حوزه مرمت ابنیه و بافت تاریخی چیست و کدام گروه بیشترین تأثیر را دارد و نسبت این گروه ها با یکدیگر چیست؟

- مالکان و صاحبان و شاغلان آثار تاریخی (افرادی که به طور روزمره با آثار تاریخی در ارتباطند)

- اساتید، کارشناسان و صاحب نظران و متخصصین حوزه حفاظت و مرمت

- پیمانکاران و مجریان طرح

- استادکاران و کارگران ماهر معماری سنتی

- مدیران شهری و برنامه ریزان

به طور قطع تمامی ذینفع ها، بهره برداران و مخاطبین بناها، مجموعه ها و بافت های فرهنگی، تاریخی در حفاظت از آثار نقشی مهمی دارند؛ ولی می توان گفت بیشترین تأثیر را جامعه محلی به ویژه ساکنین بافت های تاریخی در حوزه مرمت میراث شهری دارند. این گذشتگان بوده اند که طی سال ها بدون برنامه ریزی های از پیش تعیین شده و مبنای مکتوب، آثار موجود را با دانش بومی حفظ کرده اند. به طور مثال یک بنای استوار دارای قدمت حدود هزار سال حاصل شعور و فهم گذشتگان بوده است و موضوع حفاظت به مفهوم مدرن آن دارای سابقه ای بیش از دو قرن نیست. متأسفانه در اقدامات دوران اخیر به بهره برداری از دانش معماری بومی و استادکاران سنتی و نیازها و ایده های مردم به معنای

پیش از هرگونه اقدام به ارائه جزئیات طرح پیشنهادی و اجرای آن، مرمت گر باید بنا بر مطالعات معماری، تاریخی، تکنولوژی ساخت و آسیب شناسی از یک سو و با توجه به محدودیت های موجود در زمینه ی حدود دخالت آگاهانه (از نظر ضوابط و قانون های ملی و بین المللی) در بنای مورد نظر از سوی دیگر، به یک اصول و چارچوب مشخص دست یابد تا بر اساس بایندونباید های آن رویکرد حفاظت در هر بخش را تبیین و تدوین کند. این موضوع در واقع برنامه جامع حفاظت از بنا هست که به عنوان یک سند و چشم انداز می تواند در روند اجرای گام به گام طرح به مرمت گر یاری رساند. همچنین اولویت های اقدام بر اساس نیاز اثر، شیوه و رویکرد مورد نظر در هر بخش و مدت زمان فعالیت در این بخش می بایست تدوین گردد. سپس در ادامه طراح برای هر یک از بخش های آسیب دیده و نیازمند درمان بر اساس اولویت، جزئیات اجرایی را پیشنهاد می دهد و گروه اجرایی با نظارت طراح طبق مشخصه های پیشنهاد شده در طرح نسبت به اجرای آن اقدام می کنند.

احیای اثر نیز موضوع بسیار مهمی است که روند طرح را هدفمند می کند. در اینجا است که احیای ارزش ها در مورد هر اثر می تواند مختلف باشد، زیرا ضمن متفاوت بودن ارزش ها در اثر، آسیب ها و بیماری های دو اثر به ظاهر یکسان می تواند متفاوت باشد. این موضوع مداخلات در اثر را از حالت عمومی و نسخه ی مشترک به امری تخصصی و با رویکردهای متفاوت می کشاند.



تصویر شماره ۳:

کنار بافت تاریخی مواردی وجود داشته که براساس عدم آگاهی و یا رویکرد منفعت طلبانه برخی افراد، باعث شده مرمت‌های نادرست در شهر تاریخی یزد صورت بگیرد که سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان نهاد نظارتی و براساس وظایف قانونی با آن‌ها برخورد کرده است. امیدواریم با آگاهی‌رسانی به‌ویژه برای جامعه‌ی محلی و ذینفع‌ها و حمایت جامعه‌ی متخصصین و دانشگاهی براساس خرد جمعی تا حد ممکن از مرمت‌های بازاری و یکسان‌سازی مداخلات در بناهای تاریخی به خصوص خانه‌های تاریخی کاسته شود و مرمت‌های اصولی در شأن و جایگاه این شهر جهانی براساس مبانی و دانش کامل نسبت به ارزش‌های موجود حاکم شود. شهر تاریخی یزد دارای شواهد و نشانه‌های تاریخی و لایه‌های پیدای پنهانی است که بدون مطالعه و شناخت کافی نسبت به آن‌ها هر گونه اقدامی نادرست خواهد بود و باعث خواهد شد دوره‌های زندگی و حیات شهری آن پس از مدتی مخدوش و نابود گردد. براین اساس آرزو می‌کنم آیندگان در حین قضاوت در مورد اقدامات و تصمیم‌های دوران ما در حوزه‌ی حفاظت و پاسداری از ارزش‌های میراث معماری و میراث شهری افتخار کنند و درود بفرستند. ■

مخاطب عام، کمتر توجه شده است. وقتی خانه‌های در یزد با قدمت ۷۰۰ سال هم چنان پایدار، سلامت و اصیل باقیمانده و زندگی و حیات هم چنان در آن ادامه دارد، به نظر می‌رسد باید کمی در شیوه‌های رایج مدیریت و حفاظت بناها و بافت‌های تاریخی تجدید نظر کرد. دستیابی به موفقیت و رضایت‌مندی در امر مرمت نیازمند تدوین برنامه‌ای هدفمند است که در آن تمامی گروه‌ها می‌بایست یکپارچه عمل کنند. به طور قطع نمی‌توان مالکین و بهره‌برداران آثار تاریخی، نظریه‌پردازان، صاحب‌نظران و جامعه‌ی علمی، استادکاران سنتی، مجریان (پیمانکاران) طرح‌های مرمتی و مدیران تصمیم‌ساز را از هم جدا کرد و همگی باید در حوزه‌ی وظایف خود براساس یک برنامه و پلان جامع مدیریتی عمل کنند. بدون شک اگر در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌ها برای حفاظت آثار، مردم و ذینفع‌های واقعی در نظر گرفته نشوند و براساس نیازهایشان مورد مشورت قرار نگیرند، تمام تلاش‌های مدیران، مشاوران و مجریان مرتبط با موضوع ناکام خواهد ماند.

چیدمان: در نهایت با توجه به تمامی مباحث مطرح‌شده، وضعیت مرمت در یزد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مرمت در یزد نسبت به سایر استان‌ها چه جایگاهی دارد؟

خوشبختانه مرمت‌های انجام شده در یزد در پنجاه سال اخیر دارای رضایت و کیفیت نسبتاً خوبی است و این موضوع به چند عامل مختلف مربوط می‌شود. اول دانش بالای مردم و ساکنین بافت نسبت به آثار گذشتگان و سنت حفاظت از آن‌ها و پیروی از معماری هوشمندانه‌ی منطبق با اقلیم موجود. دوم وجود استادان معمار بومی و سنتی و تداوم تجربیات گذشته در اقدامات حفاظت و مرمت. سوم وجود شخصیت‌های صاحب نظر، دلسوز و حمایت جامعه‌ی علمی همچون دکتر محمدرضا اولیا، مهندس محمدرضا کارگر، دکتر کاظم مندگاری، مهندس علی امیری اردکانی، دکتر اصغر سمسار یزدی، حسین مسرت و سایر متخصصین که همواره برای پاسداری میراث معماری شهر تاریخی یزد تلاش کرده‌اند. چهارم تأسیس دانشکده‌ی معماری و شهرسازی در هسته‌ی بافت تاریخی و پرورش نیروی کارآمد و متخصص. پنجم راه‌اندازی پایگاه پژوهشی شهر تاریخی یزد به عنوان پروژه بزرگ و حضور و فعالیت کارشناسان خبره و تراز اول کشور در زمینه‌های مرمت بنا، مرمت آثار و اشیا فرهنگی، حوزه باستان‌شناسی و مبارزه با عوامل خسارت زا به بناهای تاریخی.

در عین حال امروز با ثبت شهر تاریخی یزد در فهرست میراث جهانی و پیش‌بینی ورود بیش از پیش توریست‌های داخلی و خارجی به مقصد شهر یزد و امکان ایجاد رونق اقتصاد گردشگری در محدوده بافت تاریخی، علاوه بر مزایای موجود، این نگرانی وجود دارد که مرمت‌های غیراصولی و شتاب‌زده را شاهد باشیم. البته این موضوع از زمان ارسال پرونده پیشنهاد ثبت جهانی به یونسکو با روندی کند آغاز شده و مدیریت آن نیازمند تبیین مبانی و برنامه‌ریزی به صورت یکپارچه است. بعضاً در گوشه و

